



ما چگونه در تسخیر انتخابات آمریکا قرار گرفتیم؟

انقلاب سوم؛ آزادسازی جامعه ایران از گره انتخابات آمریکا

۲»



این داستان واقعی است: محمد امامی چگونه با پوشش فعالیت هنری مجموعه‌ای از زدوبندهای مالی سنگین را سازماندهی کرد

تهیه‌کننده پوششی

۸»

تعلیم، وجد ساری، فرهنگستان ایران



نسبت طب سنتی و درمان کرونا چیست؟

نه فرشته‌ام نه شیطان

۱۶»

در دانشگاه آزاد انجام می‌شود

تمرکز بر مهارت آموزی برای کاهش دغدغه اشتغال

۱۶»

سینمای آمریکا جهان را چگونه تصویر می‌کند؟

بلندگوی نژادپرستی مدرن



۱۷، ۱۷»

یادداشت

در پرتوی اسناد بالادستی با نگاهی ویژه به حقوق متهم

تاملی انتقادی بر نحوه صدور قرار تامین کیفری وثیقه

از یک سو و با توجه به شعار تحول رئیس دستگاه قضا از ابتدای انتصاب به عنوان ریاست قوه قضائیه تا کنون از سوی دیگر مقتضی است ریاست این نهاد در قالب یک بخشنامه به همه دادسراهای کشور تکلیف کند تا فرآیند صدور قرار تامین منتهی به بازداشت ایدو تا ختم باید در بستر سامانه (سمپ) صورت بگیرد و توجیهاتی نظیر قطع بودن سیستم! یا کندبودن اینترنت و امثالهم نباید موجبی برای بازداشت موقت متهم باشد و چنانچه و به هر دلیلی خارج از توان متهم وقت اداری رو به پایان بود و تکلیف سند وثیقه از بابت بازداشت ملک مشخص نشده بود، بازپرس مکلف باشد با قرار وجه التزام یا عدم خروج از حوزه قضایی یا نهایتاً قبول کفالت وکیل متهم حداکثر ۴۸ ساعت کاری فرصت به متهم بدهد تا مراحل بازداشت ملک معرفی شده را برای توثیق به پایان برساند.

باید از مدیر دفتر بخواهیم یک کارشناس دیگر معرفی کند. فرض اینکه کارشناس در تهران باشد و وقت هم داشته باشد حال این پرسش پیش می‌آید که آیا لزوماً باید ملک را ببیند تا نظر بدهد یا مترمز و محل وقوع ملک به نحوی است که بدون دیدن هم با لحاظ شرایط قیمتی حال حاضر تهران می‌تواند تشخیص بدهد که آیا قرار صادره را پوشش می‌دهد یا خیر؟ که این خود فی‌نفسه می‌تواند زمینه فساد اداری باشد. سپس نامه کارشناسی باید به دست مدیر دفتر برسد تا به قول خودش به صورت سیستمی برای اداره ثبت محل وقوع ملک نامه بازداشت ارسال شود. سپس باید وکیل متهم یا فرد دیگری به اداره ثبت محل وقوع ملک مراجعه کرده تا پیگیری کند که کارمند مربوطه آن اداره وظایف قانونی اش را به نحو مطلوب با لحاظ وقت اداری انجام می‌دهد که نامه بازداشت ملک را برای شعبه ارسال کننده به صورت سیستمی بفرستد سپس اصل سند با قید عبارت بازداشت است به حضور صاحب سند که همانا وثیقه‌گذار است نزد بازپرس حاضر شود تا قرار قبولی وثیقه را امضا کند. با خوشبینانه‌ترین نگاه در فرض فوق این روند اگر یک وکیل در دادسرا باشد و با کارشناس در تعامل باشد و یک وکیل هم در اداره ثبت مربوطه در انتظار نامه دادسرا متهم در دلهره بازداشت دچار پریشانی خاطر و استرس شود. خاصه آنکه وکیل شش‌کی نیز در انتظار پایان وقت اداری است که ملک معرفی شده برای وثیقه روند اداری خود را طی نکند که نامه اعزام به زندان متهم زده شود تا بعد از خروج از دادسرا و تحویل گرفتن موبایل خود (با فرض اینکه تحویل داده است!) به موکل خود خبر مسرت‌بخش حداقل یک شب خوابیدن متهم در بازداشت را بدهد.

اظهار می‌دارد که تصور اولیه خواننده این سطور این است که روند ارزیابی ملک و نامه‌نگاری‌های مربوطه به کارشناس اداره ثبت محل وقوع ملک در بستر سامانه‌های الکترونیک صورت می‌گیرد. یعنی این گونه انگاشته می‌شود که قاعدتاً باید برای اینکه وقت اداری از دست نرود از طریق سامانه (سمپ) ابتدا تصویر سند اسکن شود سپس از طریق لینک ارتباطی با کانون کارشناسان از بین کارشناسان آنلاین یک کارشناس ساختمانی به صورت تصادفی توسط ربات هوشمند سامانه یا دست کم مدیر دفتر شعبه انتخاب شود، سپس تصویر سند اسکن شده به همراه نامه انتخاب کارشناس برای وی پیامک یا ایمیل شود. کارشناس با استفاده از فناوری‌های نوین و نقشه‌های کاداستر و جی‌پی‌اس ملک را ظرف ۳۰ تا ۶۰ دقیقه ارزیابی و نظر کارشناسی خود را از طریق سامانه برای مدیر دفتر شعبه ارسال کند. بعد از وصول پاسخ یا فرض پوشش دادن ملک معرفی شده برای توثیق، نامه درخواست بازداشت مجدداً از طریق سامانه (سمپ) برای اداره ثبت مربوطه ارسال شود. کارمند مستقر در اداره ثبت مربوطه بعد از رویت نامه مدیر دفتر ظرف ۳۰ تا ۶۰ دقیقه نامه بازداشتی ملک را از طریق اتوماسیون برای مدیر دفتر ارسال کند تا پرینت گرفته شود و به رویت مقام قضایی رسیده و آنگاه وثیقه‌گذار یا وکیل وی برای امضای قرار قبولی وثیقه نزد مقام قضایی یا مدیر دفتر حاضر شود. یعنی به عنوان یک وکیل دادگستری یا یک شهروند مراجعه کننده به دادسرا تصور ابتدایی (نه آرمانی) این است که در آخرین ماه‌های آخرین سال سده ۱۳۰۰ حداقل رعایت حقوق بشری یک متهم این است که حداکثر دوساعت در انتظار تعیین تکلیف ملک معرفی شده بابت قرار تامین وثیقه به انتظار بنشیند. اما مشاهدات تجربی راقم این سطور حکایت از این دارد که مع‌الاسف روند کار این گونه نیست. بلکه در همین مثال فوق با فرض اینکه متهم و بازپرس و مدیر دفتر همگی راس ساعت ۸ تا ۸:۳۰ صبح در دادسرا حاضر شده‌اند و بعد از اخذ اظهارات متهم بازپرس به وی اعلام می‌کند که باید یک وثیقه بسپارد ابتدا مدیر دفتر شماره یک کارشناس را به متهم یا وکیل وی می‌دهد. باید با کارشناس تماس گرفت تا ببینیم آیا وقت برای دیدن ملک دارد یا خیر؟ اگر وقت نداشته باشد

حقوق بشری متعددی کرده است. هدف کلی این مقرردها این است که حقوق اصحاب دعوا در فرآیند دادرسی در بالاترین سطح رعایت شود و کمترین تضییع در وقت و هزینه و حقوق مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی همچون منشور حقوق شهروندی یا سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای طرفین صورت بگیرد. یکی از مواردی که شکات و کلای آنها به عنوان اهرم فشار بر متهم چشم امید دارند موضوع تفهیم اتهام و صدور قرار تامین کیفری وثیقه است. در بند الف ماده ۲۴ سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹ آمده که «قرار کفالت یا وثیقه باید به نحوی صادر شود که متهم فرصت کافی برای تسلیم کفیل یا وثیقه در ساعات اداری همان روز داشته باشد. به این منظور، نباید به دلیل عدم ارائه خدمات اداری که دلایل آن متناسب به خود شخص نیست و به طولانی شدن بازداشت متهم منجر می‌شود، صدور قرار قبولی کفالت و وثیقه به تعویق افتد. متن سند بسیار تحول‌خواه و با رعایت حقوق بشری متهم است اما سوالی که این نوشتار به دنبال پاسخ به آن است اینکه آیا در رویه عملی نیز برخورد مقامات قضایی و کارمندان دادسرا به همین ترتیب است یا خیر؟ و اگر پاسخ منفی است چه تدبیر و تمهیدی باید اندیشیده شود؟

۹ بحث

چالش موجود را با ذکر یک مثال تبیین می‌کنیم؛ فرض کنیم از فردی به اتهام یک عنوان کیفری مانند خیانت در امانت، انتقال مال غیر یا کلاهبرداری شکایتی در دادسرای ناحیه یک تهران (اللهیه) مطرح می‌شود. مشتکی عنه به عنوان متهم ابتدای وقت اداری در دادسرا حاضر شده و با فرض حضور بازپرس تفهیم اتهام می‌شود. بازپرس بعد از شنیدن توضیحات شفاهی و مطالعه اظهارات کتبی متهم تصمیم می‌گیرد قرار تامین کیفری وثیقه صادر کند. متهم چون احتمال می‌دهد ممکن است برای وی قرار وثیقه صادر شود یا یک وثیقه‌گذار به دادسرا مراجعه کرده است. ملک مورد نظر بدون اینکه مشکل رهنی یا بازداشتی داشته باشد واقع در شهرستان‌های اطراف تهران مثلاً پاکدشت یا قیام‌دشت است که اداره ثبت مربوطه خود را دارند. نگارنده براساس تجربه شخصی خود در یک پرونده کیفری

۹ مقدمه

امنیت قضایی حالتی است که در آن، حیثیت، جان، مال و کلیه امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض باشد و تامین چنین امنیت عادلانه‌ای برای همه برعهده قوه قضائیه قرار گرفته است. (سند امنیت قضایی، ۱۳۹۹) در قانون برنامه ششم توسعه که دوران پایانی حیات تقنینی خود را سپری می‌کند یکی از تکالیف ریاست قوه قضائیه این است که فرآیند دادرسی و مترفعات آن را از بدو تا ختم (کشف تا اجرای حکم) در بستر دادرسی الکترونیک برگزار کند. این مهم در ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با لسان دیگری مطرح نظر مقنن قرار گرفته است. ریاست قوه قضائیه که با شعار تحول در نظام قضایی سکان دستگاه عدالت کیفری را برعهده گرفت از زمان تصدی این نهاد تاکنون اقدام به صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های

۹ نتیجه و یافته‌ها

در مقام جمع‌بندی باید گفت بسا توجه به تکالیف مقنن در قانون برنامه ششم توسعه و قانون آیین دادرسی کیفری از تعرض قرار گرفته است.